

استرداد مقصرین

هستند باحد کلی :

۱ - جرائم سیاسی

یکی از موارد مذکور موقعی است که جرم ارتكابی از جرائم سیاسی و یا عملی باشد که مرتبط به يك جرم سیاسی است .

این استثناء در غالب معاهدات استرداد دیده میشود چنانکه در ماده سوم معاهده ایران و ترکیه هم وجود دارد . علت اصلی قبول این استثناء و قید آن در غالب معاهدات آن است که طرز فکر یک نفر مجرم سیاسی با یک نفر جانی عادی خیلی فرق دارد چه مجرم سیاسی بعقیده خودش از لحاظ مصالح و منافع عالی مملکتی مرتکب جرمی شده در حالیکه یک مجرم عادی برای ارضاء یکی از حوائج شخصی خود عمل نا مشروعی مرتکب گردیده است بعلاوه چون مجرمین سیاسی در واقع با دولت نظر موافق ندارند نمیتوان به قضاوتی که محاکم دولت در باره آنها میکنند مطمئن گردید .

در عمل تشخیص اینکه چه جرمی سیاسی است خالی از اشکال نیست معهذا میتوان جرم سیاسی را بطریق ذیل تعریف نمود جرم سیاسی عملی است که نیت مرتکب آن یا اثر حاصل از آن مستقیماً حمله به مؤسسات و سازمان دولتی و حکومت وقت باشد و ملاک تشخیص جرم سیاسی آنست که منشاء این جرم همان تشکیلات و مؤسساتی است که مورد حمله واقع شده اند .

در مواردیکه جرائم سیاسی طبق قانون مخصوص تعیین نشده قاضی میتواند آزادانه بر حسب اوضاع و احوال آنرا مشخص کند . بعضی از جرائم دیگر از قبیل حمله بر رئیس کشور جرم سیاسی محسوب نشده و مرتکبین آنرا میتوان استرداد نموده

I - شرط معامله متقابل

طرفین متعهد میشوند که در بعضی موارد معین اشخاصی را که مرتکب جنحه ای شده و مورد تعقیب قرار گرفته اند متقابلاً به مدیگر رد نمایند . بنا بر این هرگاه یکی از طرفین بدون دلیل از استرداد مقصری که از او درخواست شده امتناع کند برخلاف پیمان رفتار کرده - باید متذکر شد که قید متقابل در غالب معاهدات دیده میشود چنانکه در مقدمه همین معاهده هم این قید گنجانده شده است .

شرط معامله متقابل تنها کافی برای اعاده مجرم نیست بلکه بایستی عمل ارتكابی هم دارای خصائصی باشد .

دوم - کیفیت عمل ارتكابی

برای اینکه عملی سبب و موجب اعاده متهم یا مجرمی بشود باید دارای اهمیت مخصوصی باشد و برای تشخیص اهمیت امر ارتكابی هم باید دو صورت متمایز را مورد نظر قرار داد :

۱ - شخصی که تقاضای استردادش شده فقط متهم است در اینصورت برای آنکه بتوان او را استرداد نمود باید عملش طبق قوانین هر دو کشور مستلزم مجازاتی باشد که حد اکثر آن کمتر از یکسال حبس نباشد .

۲ - شخصی که تقاضای استردادش شده طبق مقررات محکوم شده باشد در این حال استرداد بشرطی انجام میگردد که جرم ارتكابی طبق قوانین هر دو کشور مستلزم مجازاتی باشد که حد اکثر آن کمتر از يك سال حبس نبوده و حکم صادر درباره محکوم مورد تقاضای استرداد هم اقلاً شامل شش ماه حبس باشد .

در بعضی موارد با آنکه امر ارتكابی دارای اهمیت است استرداد متهم یا مجرم نمیشود و در واقع این موارد استثنای آنی

آن کشور نیز صلاحیت رسیدگی بآن جرم را نداشته باشند
(بند آخر ماده ۳ معاهده زبور)

چهارم - ملیت مجرم یا متهم

برای آنکه تقاضای استرداد مورد قبول یابد بایستی
شخص مجرم یا متهم که تقاضای استرداد او شده تبعه کشوری
که تقاضای استرداد از آن میشود نباشد.

دلیل تاریخی این موضوع آن است که ممالک نسبت
بقضاوت یکدیگر همیشه يك نوع عدم اعتمادی ابراز میداشتند
بعلاوه میگویند استرداد اتباع يك دولتی بدولت اجنبی
برخلاف شئون دولت متبوع مجرم است.

امروزه نیمی از متخصصین این فن عقیده دارند
بین ممالکی که قوانین جزائی آنها یکسان است استرداد مجرمین
در هر حال معمول شود چه وسیله کشف جرم در محل
وقوع آن بهتر فراهم و مجازات مجرم در محل وقوع جرم
از لحاظ فلسفه مجازات بیشتر مؤثر است.

ولی امروز در غالب معاهدات دول استرداد اتباع
خود را مستثنی مینمایند چنانکه ماده يك معاهده ایران و
ترکیه بشرح آتی « طرفین متعاهدین متعهد میشوند که
طبق مقررات این عهد نامه بموجب تقاضا کلیه اشخاص را
بجز اتباع خود... » نیز همین رویه را معمول داشته است.

II - اصول و طرز تقاضای استرداد

تقاضای استرداد باید از مجرای سیاسی عمل آید بدین
طریق که سفراء یا وزراء مختار تقاضای استرداد را بوزارت
خارج ارسال میدارند، تقاضای استرداد برای اینکه مورد
قبول واقع شود باید دارای ضمایم ذیل باشد:

- ۱ - حکم محکومیت یا قرار احاله بمحکمه جزاء یا
قرار توقیف یا سندی که معادل اسناد فوق باشد.
- ۲ - بیان نوع جرم و تاریخ آن.
- ۳ - ذکر مواد و نص قانونی که در کشور تقاضا
کننده جرم مشمول آن میشود.
- ۴ - هر قسم اسناد و اطلاعات که برای تعیین هویت

۲ - جرمهای ارتشی

هنگامیکه جرم منحصرأ جرم ارتشی باشد نیز تقاضای
استرداد پذیرفته نخواهد شد؛ حال باید دید چه جرمی جنبه
ارتشی دارد.

جرم ارتشی عملی است که برای آن در قوانین مجازات
عمومی جزائی تعیین نشده بلکه صرفاً از لحاظ قوانین و
مقررات ارتشی آن عمل ممنوع باشد.

پس اگر بکنفر سرباز مرتکب جنایتی شد نمیتوان
فقط از لحاظ آنکه مرتکب جزء ارتش است جرم ارتشی
محسوب نموده و از استرداد آن باین عنوان خود داری کرد
چنانکه این منظور از بند ۲ ماده ۳ معاهده ایران و ترکیه
واضح میشود « اگر جرمی که موجب تقاضای استرداد
میشود منحصرأ جرم ارتشی بوده و قابل مجازات نباشد مگر
بموجب قوانین ارتش »

۳ - مرور زمان

هرگاه طبق قوانین یکی از دو کشور نسبت بتعقیب
مجرم یا نسبت با اجرای مجازات مرور زمان حاصل شده باشد
در اینصورت در خواست استرداد مورد قبول واقع نخواهد شد

۴ - تبرئه یا مجازات

هرگاه کسیکه تقاضای استرداد او میشود در کشور
ناثی نسبت بعملی که تقاضای استرداد شده تبرئه و یا محکوم
شده و در صورت محکومیت مجازات او اجرا و یا مورد عفو
واقع شده باشد.

۵ - علل قضائی دیگر

« یا بعلل قضائی دیگر تعقیب امر قابل قبول
نباشد مثل مورد نبودن شکایت خصوصی در مواردیکه شکایت
او برای تعقیب جنبه عمومی جرم لازم است.

سوم - شرایط مربوط بمکان و محل وقوع جرم

برای آنکه تقاضای استرداد قبول شود باید جرم در
خارج کشوری که تقاضای استرداد از آن میشود واقع شده باشد محاکم

شخص مورد تقاضا لازم است از قبیل علائم و مشخصات و عکس
گرفته باشد و جای انگشت او»

بعلاوه با اسناد مزبور باید ترجمه آنها بزبان کشوری که
تقاضای استرداد از آن میشود و بزبان فرانسه پیوست گردد
و این ترجمه را نماینده سیاسی کشور تقاضا کننده و یا
کنفر مترجم رسمی کشور مزبور و یا کشوری که تقاضا از آن
میشود تصدیق کنند.

قبل از وصول این مدارك در صورتیکه موضوع فوریت
داشته باشد طبق معاهده ایران و ترکیه میتوان شخص مورد
تقاضای استرداد را موقتاً توقیف نمود. مشروط باینکه جرم
و را بطور روشن معین و نسبت با ارسال تقاضا نامه استرداد
اطمینان دهد. هرگاه تقاضای استرداد در ظرف دو ماه از تاریخ
توقیف بعمل نیاید شخص توقیف شده آزاد میگردد این موضوع
در قانون ۱۷ مرداد ۱۳۱۳ برای مناطق سرحدی پیش بینی
شده و معاهده ایران و ترکیه آن را عمومیت داده یعنی اکنون در
مناطق غیر سرحدی هم ممکن است قبل از تقاضای استرداد در
مواقع فوری توقیف مجرم را درخواست نمود.

پس از آنکه تقاضای استرداد با اسناد پیوست بشرح
فوق تسلیم وزارت خارجه شد وزارت مزبور تقاضا را به
وزارت دادگستری مراجعه نموده و وزارت خانه اخیر هم
موضوع را برای اخذ تصمیم قطعی بدادگاه صالح مراجعه
می دهد.

راجع بشرايط و اصولی که دادگاه باید رعایت
کند قانونی در بین نیست.

در آخر این مقاله راجع بلزوم قانون برای استرداد
بحث خواهد شد.

هزینه ناشیه از استرداد به عهده دولت تقاضا -
کننده است.

III - نتایج حاصله تقاضا و قبول استرداد

پس از تحقیق اینکه تقاضا با اسناد و مدارك لازم موافق
قرار داد تدوین شده در موقعی که تقاضای استرداد میشود
... حکم نه است؟ اگر متهم در خاک کشوری که

تقاضای استرداد شده تعقیب و یا محکوم گشته در این صورت
اگر برای جرم دیگری تقاضای استرداد آن شده باشد تا
موقعیکه تعقیب یا مجازات نشده باشد یا بعلت مرور زمان یا
عفو و یا عفو عمومی محکومیت او از بین نرفته باشد با استرداد
موافقت نخواهد شد با وجود این بایستی نسبت بتقاضای استرداد
تصمیم گرفت یعنی علت عدم استرداد مقصر را بدولت درخواست
کننده جواب داد.

ممکن است اتفاق بیفتد که تقاضای استرداد در عین حال
از طرف چندین دولت شده باشد در این صورت بتقاضای کشوری
ترجیح داده میشود که جرم بر علیه منافع آن ارتکاب یافته و
یا به تقاضای کشوری که جرم در خاک آن واقع
شده باشد.

در صورتیکه تقاضای استرداد مورد قبول دادگاه واقع
گشت نتیجه اولی آن استرداد مقصر است بکشور تقاضا کننده
باین ترتیب که متهم یا مجرم را تا مرز دولت مورد
تقاضا رسانیده و تحویل مأمورین دولت تقاضا کننده میدهند
هزینه راه بعهده دولت تقاضا کننده است.

پس از اینکه مجرم یا منتم تحویل شد آیا باز تعهداتی
برای طرفین باقی میماند یا آنکه بمحض تحویل انجام تعهد
شده و دیگر تعهدی بعهده هیچیک از طرفین نیست؟

مطابق قوانین بین الملل مقصر را نمیتوان بعلت جرمی
که مورد تقاضا نبوده مورد تعقیب قرار داد این اصل باصل
تخصیص Spécialité موسوم میباشد و هرگاه دولتی برخلاف
این رفتار نماید دولتی که مقصر را تحویل داده می تواند
اعتراض کند.

این اصل مدتها مورد بحث بین انگلستان و
آمریکا بود تا بالاخره رفع اختلاف شد و از آن بعد
در تمام معاهدات این شرط تخصیص جرم دیده میشود. از
آنجمله است معاهده بین ایران و ترکیه (ماده ۴) شخص مجرم
از حق تخصیص خود میتواند صرف نظر کند یا خیر؟ چون
در واقع این اصل مبنی بر حفظ و حمایت منافع او است در

پس از آنکه این شرایط (شرط معامله متقابله بودن دلایل و قرائن بر ارتکاب عمل در مناطق سرحدی) مسلم شد مأمورین مرزی میتوانند شخص یا اشخاصی که مرتکب جنحه یا جانی شده اند توقیف احتیاطی نمایند ولی مأمورین سرحدی بهیچوجه حق استرداد آنها را ندارند تا اینکه تقاضای استرداد طبق مقررات معموله بعمل آید. این توقیف احتیاطی دائمی نیست بلکه باید تقاضای استرداد تا در ماه از تاریخ توقیف به مقامات مربوطه واصل گردد والا اشخاص توقیف شده آزاد خواهند شد.

لزوم قانون استرداد

شاید دربدو امر بنظر برسد که قانون راجع با استرداد مقصرین چندان ضروری نیست زیرا تا معاهده بین دو دولت نباشد استرداد مقصرین الزامی نخواهد بود و هرگاه معاهده باشد که در آن تمام شرایط پیش بینی شده و محتاج بقانون نیست این استدلال صحیح نیست زیرا چنانکه فوقاً گفته شد عمل استرداد مربوط بحق حاکمیت و سیادت دولت است و ممکن است مواردی پیش آید که دولتی بخواهد مقصری را مسترد دارد در حالیکه معاهده استرداد هم بین آن دولت و دولت تقاضا کننده موجود نباشد در این صورت هرگاه قانونی باشد که در آن طرز استرداد و اصولیکه باید در دادگاه رعایت شود پیش بینی شده باشد عمل استرداد طبق این قانون خیلی ساده و آسان میشود علاوه بر این میتوان با دله مهم ذیل لزوم وجود قانون استرداد را اثبات نمود:

- ۱ - وجود يك قانون موجب این میشود که تکلیف استرداد مقصرین و وظایف دادگاه روشن و معین شده و اصول و تشریفاتیکه باید انجام شود در هر مورد يك شکل شود بعبارت دیگر وجود قانون موجب يك وحدت رویه قضائی در مورد استرداد است.
- ۲ - وجود يك قانون باعث تحدید تقاضا میشود در حدود همان قانون زیرا با سبق وجود قانون استرداد بر درخواست دولت مورد تقاضا میتواند انجام درخواست دولت

صورتیکه بدون جبر و فشار بدان رضایت دهد میتواند برای سایر جرایمی که مورد درخواست استرداد نبوده ارتکاب نمود این رضایت را معاهده بین ایران و ترکیه در صورتیکه شخص پس از آزادی قطعی از حق خروج از مملکت استفاده نموده پیش بینی کرده و این مطلب از قسمت آخر ماده ۴ معاهده ترکیه و ایران ظاهر میشود:

«هرگاه کسیکه استرداد شده در ظرف سی روز از تاریخ آزادی قطعی از حق خود برای خروج از خاک کشوری که بآن تسلیم شده بود استفاده ننماید و یا پس از خروج بچاک کشور مزبور بر گردد دیگر استثنای فوق شامل او نخواهد بود»

وضعیت مخصوص متهمین مناطق مرزی

قانون ۱۷ مرداد ۱۳۱۳

در صورتیکه مجرمین و با متهمین در مناطق مرزی مرتکب جرمی شده باشند و بمرز دیگر فرار کنند مأمورین مرزی مطابق قانون ۳۱۳ میتوانند بنا بر درخواست مأمورین سرحدی کشوری که جرم در آن واقع شده متهمین را توقیف احتیاطی نمایند تا اینکه از مجرای قانونی تقاضای استرداد متهم بشود برای اینکه این قانون بمورد عمل گذاشته شود چندین شرط لازم است:

- ۱ - شرط معامله متقابله در صورتیکه مأمورین دولتی که تقاضای توقیف مجرم یا متهم از آن شده متعهد شوند در همین قیدل موارد نسبت بدرخواست توقیف از طرف مأمورین مرزی ایران بهمان ترتیب عمل نمایند.
- ۲ - وجود دلایل و قرائن بر اثبات ارتکاب جنحه یا جنایت.
- ۳ - ثبوت اینکه عمل ارتکابی در مناطق مرزی بوده است. قانون تعیین مناطق مرزی را بتصوب آئین نامه از طرف دولت واگذار کرده ولی مطابق نص قانون در هیچ مورد نباید عرضاً از ۷۵ کیلومتر تجاوز نماید.

۶ - نظارت دادگاهها بر موضوع استرداد با وجود قانون بیشتر شده و این خود بیشتر بنفع متهم است که تقاضای استرداد آن میشود.

نتیجه

از آنچه مذکور شد میتوان در خصوص استرداد باین نتیجه رسید که استرداد باید طوری انجام شود که در عین حال حاوی سه منظور باشد اول حفظ حیثیات و شئون دولت مورد تقاضای استرداد دوم رعایت و انجام تقاضای دولت تقاضا کننده و حفظ تزاکت بین المللی سوم رعایت حال و منافع متهم و یگانه وسیله ای که این منظور ها را ایجاد کند همان قانون کامل و روشن است که بعداً باید بوسیله معاهدات تکمیل و تعمیم یابد

دکتر عبدالله معظمی

تقاضا کننده را در حدود قانون موجود بعمل آورد و بالنتیجه از يك رشته سوء تفاهات سیاسی جلوگیری میشود

۳ - از طرفی وجود قانون استرداد در هر کشور قدمی است که بطرف وحدت قضائی بین المللی برداشته میشود و نتیجتاً وقتی در همه کشورها تعمیم یافت موضوع فرار مجرم منتفی شده و هر کس در هر جا مرتکب جرمی شود مطمئن است که بهر جا فرار کند از مجازات مصون نخواهد ماند.

۴ - وجود قانون مبنای مهمی برای معاهدات استرداد آتی خواهد بود .

۵ - در معاهدات استرداد از اصول محاکمه مربوط با استرداد یا اسمی برده نمی شود و یا در صورت ذکر هم باختصار میگردد و حال آنکه قانون کاملاً اصول محاکمه را پیش بینی میکند .

دنباله شماره ۱۲ سال سوم

از حقوق جزائی انگلستان

شبروی Burglary

۳ - دخول

وقتی که یکی از اعضاء بدن شبرو وارد خانه محل وقوع جنایت میشود عنصر دخول بمنزل تحقق پیدا میکند بنابراین داخل شدن يك انگشت و یا حتی يك بند انگشت گناهکار بمنزله ورود در آن محسوب است .

در سال ۱۸۲۳ جواهر فروشی شکایت میکند ساعت شش بعد از ظهر روز دوم ژانویه موقعیکه مقابل دکان خود که قسمتی از خانه مسکونیش میباشد ایستاده بوده جوانی بفشار دست جام شیشه دکان او را برداشته و قسمت قوای انگشتان خود را بطرف داخلی محل جام شیشه میبرد که فوراً دستگیر شده است - موضوع از نظر آنکه و یا ورود بمنظور

قانون صورت گرفته است یا نه مورد وقت قرار گرفت بالاخره دادگاه عنصر ورود بمنزل پیش بینی شده در گناه شبروی را ثابت دانست .

اگر شبرو ایزاری را که در دست دارد وارد خانه بنماید ولو آنکه عضوی از اعضاء بدنش داخل خانه نشود ورود بمنزل صورت گرفته است بشرط آنکه ابرار نامبرده برای اتمام جنایت مورد نظر شبرو مورد استفاد قرار گیرد پس اگر شبرو سیخی را فقط برای سوراخ کردن درب وارد منزل نماید عمل او شکستن درب است نه ورود بمنزل اما اگر گناهکار سیخ مزبور را بقصد سرقت چیزی که در نزدیکی درب واقع و نظر او را جلب کرده است داخل خانه کند عمل او